

## ساخت و بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در دختران

علی خادمی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۱

### چکیده

هدف از این پژوهش، ساخت و بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی بود. روش پژوهش، همبستگی و از نوع تحلیل عامل اکتشافی است. جامعه مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان متوسطه دختر شهر ارومیه بودند. در این پژوهش ۵۲۸ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شد و از مقیاس ویژگی‌های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد. بر اساس تحلیل عامل اکتشافی ۱۲ عامل اخلاق بر پایه تنبیه، پاداش، تایید اجتماعی، قانون، قراردادهای اجتماعی، اخلاق درونی شده، فرامن، استنباط شناختی، آداب دینی، یادگیری مشاهده‌ای، حساسیت اخلاقی و مهارت‌های اجرایی اخلاقی استخراج شد. در مجموع عامل‌های استخراج گردیده، توانستند ۶۱/۰۱ درصد از واریانس کل آزمون را تبیین کنند. برای بررسی روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی، روایی سازه و تحلیل عاملی استفاده شد. که شاخص‌های به دست آمده روایی قابل قبولی را نشان دادند. برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی کل مقیاس برابر ۰/۷۲ بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مشخصات روان‌سنجی ابزار ساخته شده از قابلیت لازم برخوردار بوده و در حوزه سنجش ویژگی‌های اخلاقی دانش‌آموزان متوسطه دختر می‌توان از این ابزار استفاده کرد. وجود این ابزار می‌تواند در تولید تحقیقات پیرامون روانشناسی اخلاق مفید باشد.

**واژه‌های کلیدی:** مقیاس ویژگی‌های اخلاقی، روایی، پایایی

---

۱. دانشیار گروه روانشناسی، مرکز تحقیقاتی روانشناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران  
dr\_khademi@iaiu.ac.ir

## مقدمه

در ادبیات پژوهشی، آن چه که تحت عنوان رفتار اخلاقی مطرح است، سازمانی است برای رساندن فرد آدمی به تعادل در روابط خود با خود، روابط خود با دیگران و روابط خود با طبیعت. در رفتار اخلاقی، این موضوع از سه بعد قابل بررسی است: بعد شناختی، بعد عاطفی و بعد رفتاری. بعد شناختی رفتار اخلاقی عبارت است از: توانایی کافی برای تشخیص خوب از بد. بعد عاطفی رفتار اخلاقی عبارت است از: پرورش عواطف و گرایش های مطلوب در قبال امور تقویت کننده حیات فرد و نوع؛ یعنی خوبی ها؛ و پرورش عواطف نامطلوب در برابر امور مخرب حیات فرد و نوع؛ یعنی بدی ها. بعد رفتاری رفتار اخلاقی عبارت است از اینکه از فرد به دنبال تشخیص امور از هم و شکل گیری عاطفه مناسب، در قبال هر امری؛ انرژی و انگیزه لازم برای عملکرد متناسب و هماهنگ با ابعاد فوق، مورد انتظار است. در این بعد رفتار اخلاقی متناسب با قضاوت اخلاقی، قابل مشاهده است (باقری، ۱۳۹۸).

در جامعه ایران، اخلاق از مهمترین دغدغه های تربیت خانوادگی و اجتماعی است و اخلاق مداری در ساحت جمعی یا اجتماعی، رعایت اصول اخلاقی در برخورد با دیگران است. از مهم ترین این اصول می توان به مهرورزی و احسان و عدالت اشاره کرد. این اصول، خود، زیرمجموعه ها و شاخصه هایی دارد؛ از جمله خوش خلقی، خوشرویی، شفقت، انصاف، قضاوت عادلانه، ترک مجادله و بدگمانی و کینه ورزی، حسد و خشم و دورویی و... این هنجارهای اخلاقی می تواند روحیه اخلاق مداری و مهرورزی را به جامعه تزریق کند و سلامت اجتماعی را تأمین سازد (همتی، ۱۳۹۵). در مطالعه این شاخص های اخلاقی می توان برخی تفاوت های جنسیتی را محتمل دانست. به گونه ای که برای زنان، برخی شاخص های اخلاقی ارزش فراوانی دارند. از جمله فداکاری، مسئولیت شناسی و رفتارهای دلسوزانه و همدلانه. گلیگان اختصاصاً در مورد اخلاق زنان نظریه پردازی کرده است. او اعتقاد دارد که نحوه سازماندهی ادراک فرد از واقعیت، در بین انسان ها متفاوت است و کیفیت آن در مردان و زنان نیز با همدیگر تفاوت دارد. بنابراین، رفتار اخلاقی عبارت است از: کیفیت سازماندهی های ادراک فرد از واقعیت (گلیگان، ۱۹۸۴).

در حوزه فلسفه و روانشناسی، افکار و آرای کانت در زمینه اخلاق دستوری و اخلاق آزاد، پایه عقاید و مواضع روان شناسان و فیلسوفان است. کانت، از اخلاق خودپیرو و اخلاق دیگر پیرو صحبت کرده است ولی خود پیروی اخلاقی، یکی از بنیادی ترین مفاهیم فلسفه اخلاقی کانت است. از نظر وی، خود پیروی یا خود قانون دهی، انسان را از هر گونه وابستگی و حتی وابستگی به محتوای قانون اخلاقی می رهاوند. به نظر او، جز قانون اخلاقی که خاستگاه آن وجدان اخلاقی است؛ هر فرمان دیگری مشروط است. از نظر کانت، تنها قانون اخلاقی است که مطلق است. چرا که بر بنیاد هیچ گونه پاداش و کیفر، سنجیدن سود و زیان و حتی در جستجوی سعادت نیست. به بیان او " اخلاق نظریه ای است درباره این که چگونه خود را شایسته

سعادت سازیم." از این جهت کانت، کردار اخلاقی را که بر بنیاد خود پیروی است، برخوردار از ارزش "مطلق" می‌شمارد و برای دیگر کارها و فرمان‌ها از ارزش "مشروط" سخن می‌گوید (کدیور، ۱۳۹۸).

روان‌شناسان نظریه‌های مختلفی برای استدلال اخلاقی ارائه داده‌اند، از جمله آن‌هایی که مبتنی بر "معرفت‌شناسی ژنتیکی" پیازه هستند. وی با تحقیق خود در مورد چگونگی شکل‌گیری قضاوت کودکان در مورد رفتار اخلاقی، تشخیص داد که کودکان از طریق برخورد و تعامل با دیگران در گروه‌ها، اخلاق را به بهترین وجه می‌آموزند. به اعتقاد پیازه، کودک موجودی است ذاتاً فعال؛ و علت اولیه اعمال ذهنی او، عمل خود او است. بنابراین هرگونه شناخت در کودک - از جمله شناخت ارزش‌های اخلاقی - از طریق تعامل فعال او با محیط خارج به وجود می‌آید. وی استدلال کرد که روندی تحولی و شناختی وجود دارد که به موجب آن کودکان مطابق با هنجارهای جامعه و بر پایه آنچه درست و نادرست است، عمل می‌کنند و این روند به جای اینکه منفعلانه باشد، فعالانه است (تپیر، اینزلت و گلد، ۲۰۱۱).

کلبرگ اخلاق را با مفهوم عدالت تبیین می‌کند و معتقد است که رشد اخلاقی یک روند کند است و به مرور زمان تکامل می‌یابد و مرحله‌ای است؛ و تعیین مراحل رشد اخلاقی در هر فرد، بر اساس توانایی‌های ذهنی و شناختی او صورت می‌پذیرد. وی احساس کرد که تنها راه تشویق به رشد این مراحل اخلاقی، بحث در مورد معضلات اخلاقی و مشارکت مبتنی بر دموکراسی در گروه‌های کوچک است. این امر باعث تحریک و گسترش تفکر اخلاقی کودکان و بزرگسالان می‌شود و به آنها امکان پیدایش شرف از یک مرحله به مرحله دیگر را می‌دهد. در واقع کار کلبرگ متکی به تحلیل چگونگی همکاری روان‌شناسی و فلسفه اخلاقی است (گلور و برونینگ، ۱۳۸۸).

توریل معتقد است که ریشه عدم درک‌های اساسی اخلاقی، در اوایل زندگی است. رویکرد اخلاقی توریل (۲۰۱۸) تئوری قلمرویی نام دارد. این تئوری تأکید می‌کند که رفتارها در قلمرو اخلاق، مثل آسیب رساندن غیرموجه به یک فرد، بر بهزیستی دیگران، آثار ذاتی دارند. این آثار ذاتی، صرف‌نظر از ماهیت قوانین اجتماعی اتفاق می‌افتد، به همین دلیل، ویژگی‌های اصلی شناخت اخلاقی بر ملاحظه آثاری که رفتارها بر بهزیستی افراد دارند، متمرکز است. اخلاق بر اساس مفاهیم آسیب، سعادت، و انصاف سازمان می‌یابد. در مقابل، رفتارهایی که موضوعات عرف اجتماعی هستند، هیچ پیامد بین فردی ذاتی ندارند (توریل، ۲۰۱۸).

مدل سه‌گانه، یک رویکرد شناختی-هیجانی-رفتاری در مورد اخلاق مطرح کرده است. در این مدل، سه فرایند درونی همزمان با هم در موقعیت اخلاقی فعال می‌شوند. این سه فرایند عبارتند از: آگاهی همدلانه، برانگیختگی همدردانه، انگیزش نوع‌دوستانه. این فرایندها به صورت ترکیبی شکل می‌گیرند و از درون فرد و با هم عمل می‌کنند تا ارتباطی هیجانی با سایر افراد، از جمله خانواده، دوستان و حتی غریبه‌ها، برقرار کنند و در مورد بهزیستی، حقوق و کرامت آنان دغدغه داشته باشند. در تعریفی کاملاً ساده، هنگامی که با فردی تعامل برقرار می‌کنیم که در یک سطح اخلاقی قرار داریم، به ویژه کسی که در رنج

است، ابتدا موقعیت او را در نظر می‌گیریم (همدلی)، سپس با هیجانات او همراه می‌شویم (همدردی) و در نهایت با موقعیت او مواجه می‌شویم (نوع دوستی) (هرمینگ، ۱۳۹۷).

هاید (۲۰۰۷) نظریه "شهود اجتماعی" را ارائه می‌دهد که ارزیابی اخلاقی از طریق شهود و احساسات فوری اتفاق می‌افتد و این فرایندی شبیه به ادراک است تا استدلال. نظریه استدلال اخلاقی هوسر نیز گرامر اخلاقی ذاتی را فرض می‌کند از نظر او، دستور زبان جهانی است و با مجموعه‌ای از اصول و پارامترها برای ساختن سیستم‌های اخلاقی همراه است (هوسر و همکاران، ۲۰۰۷ و میخاییل، ۲۰۰۷). در نظریه استدلال اخلاقی گرین و همکارانش، برخی از مسائل اخلاقی، پردازش عاطفی بیشتری درگیر می‌کنند و این درگیر شدن عاطفی بر دآوری اخلاقی افراد تأثیر می‌گذارد. از نظر گرین، واکنش عاطفی به اقداماتی مربوط است که "نزدیک، شخصی و خودکار" هستند (گرین و همکاران، ۲۰۰۴).

سوانسون و هیل (۱۹۹۳) فرااخلاق را مثل فراشناخت در ۳ حیطه مطرح نموده‌اند. دانش اخلاقی درباره خود، دانش اخلاقی درباره تکلیف، دانش اخلاقی درباره راهبردها. در نظریه فراشناخت اخلاقی سوانسون و هیل (۱۹۹۳) فراشناخت‌های اخلاقی نشان دهنده دانش یا آگاهی شخص از ماهیت، اصول و فرایندهای اخلاقی است.

نهایتاً، مطابق نظر اندیشمندان اسلامی (مانند علامه مجلسی، ملامحسن فیض کاشانی، خواجه نصیر طوسی، ملا احمد نراقی و ملا مهدی نراقی) تعاریف اخلاق تنها شامل صفات نفسانی پایداری است که در نفس رسوخ کرده باشد و شامل صفات ناپایداری که به صورت ملکه نفسانی در نیامده‌اند نمی‌گردد. بنابراین تعریف اخلاق، هیاتی است استوار و راسخ در جان آدمی که کارها به آسانی و بدون نیاز به تامل و تفکر از آن صادر می‌شود. در عین حال این تعریف هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود و هم شامل رذایل اخلاقی؛ از این رو اگر این هیات به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از آن صادر گردد، آن را اخلاق نیک و فضیلت می‌نامند و چنانچه آن هیات به گونه‌ای باشد که موجب صادر شدن افعالی زشت و ناپسند گردد، اخلاق بد و رذیلت نامیده می‌شود.

اما اخلاق جدید عبارت است از حفظ صلح و همزیستی افراد و اجتماعات و کمال زندگانی. به عبارت دیگر، اخلاق جدید عبارت است از سیستم درونی‌سازی شده الگوها و واکنش‌های شناختی - عاطفی که در فرد ایجاد می‌شود تا حس تعلق به نژاد بشر را به صورت پویا و فعال برای بهزیستی انسان‌ها شکل دهد (هدفیلد، ۱۳۷۴).

در تحقیقات مختلف رشد اخلاقی بر پایه جنسیت مطالعه شده است. در تحقیقی در مورد رشد اخلاقی در دختران و پسران، نتایج نشان داد که قضاوت اخلاقی پسران بیشتر مبتنی بر عدالت و امور انتزاعی است، اما تصمیم‌گیری اخلاقی دختران بر مبنای ابراز عواطف، مراقبت از خود و دیگران، احساس مسؤولیت نسبت به نوع انسان، حساسیت نسبت به دیگران و حقوق آنان استوار است (همایی، ۱۳۹۳). خسروانی و ذاکریان (۲۰۱۱) به بررسی صلاحیت اخلاقی پسران و دختران پرداختند و نتیجه گرفتند که صلاحیت اخلاقی پسران

و دختران تفاوت معنادار دارد. مولچانوف (۲۰۱۴) در تحقیق خود در مورد همدلی به عنوان راهبردی اخلاقی نشان داد که همدلی با سطوح بالاتر رشد اخلاقی مرتبط است و دختران همدلی بالاتری نسبت به پسران دارند. داکین (۲۰۱۴) استدلال اخلاقی مراقبت و عدالت را در زنان را مطالعه کرد و نتایج نشان داد که زنان بیشتر از استدلال اخلاقی مراقبت و مسئولیت نسبت به خود و دیگران استفاده می‌کنند و از رویکرد مراقبت بیشتر از رویکرد شناختی کمک می‌گیرند. دکارولی و ساگن (۲۰۱۴) به بررسی عدم مشارکت اخلاقی در دختران و پسران نوجوان و جوان پرداختند و نتیجه گرفتند که نوجوانان بیشتر از جوانان، و پسران بیشتر از دختران به مکانیسم عدم مشارکت اخلاقی برای توجیه اعمال خود متوسل می‌شوند. همچنین عدم مشارکت اخلاقی با سطوح پایین‌تر رشد اخلاقی مرتبط است. لی، هاو و شی (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان از داوری‌های اخلاقی گرفته تا رفتارهای اجتماعی: مسیرهای چندگانه در نوجوانان و مسیرهای متفاوت در پسران و دختران نتایج نشان داد که ارتباط بین داوری‌های اخلاقی، همدلی و رفتارهای اجتماعی براساس جنسیت تعدیل می‌شود. عزت نفس و همدلی بین روابط قضاوت‌های اخلاقی و رفتارهای دینی در دختران کاملاً واسطه بود و احکام اخلاقی مستقیماً با رفتارهای دینی در پسران همراه بود. بنابراین، مطالعه حاضر نشان داد که مسیرهای متفاوت در احکام اخلاقی و رفتارهای اجتماعی پسران و دختران وجود دارد. گاؤ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان عدم رضایت اخلاقی و ارتکاب فضای مجازی نوجوانان: جنسیت به عنوان تعدیل‌کننده، نشان دادند که جنسیت با پیش‌بینی اخلاقی در مجرمان سایبری در ارتباط است. بدین معنا که، سطح بالاتری از انکار اخلاقی باعث افزایش چشمگیر در ارتکاب مجرمان سایبری زنان می‌شود. این حال، رابطه بین انکار اخلاقی و مجرم بودن در فضای مجازی برای مردان پایین بود.

با توجه به پژوهش‌های فوق و علیرغم تفاوت‌های اخلاقی مردان و زنان، عمدتاً برای ارزیابی ویژگی‌های اخلاقی از ابزارهایی مثل پرسشنامه تحول اخلاقی کلبرگ استفاده می‌شود که باز پاسخ است و بعد از طرح معماهای اخلاقی از آزمودنی می‌خواهد در مورد درستی یا نادرستی رفتار نظر دهد و استدلال خود را بنویسد. این آزمون از لحاظ نمره گذاری و تفسیر محدودیت‌های خاص خود را دارد. به نحوی که سوگیری آزماینده یک مساله جدی است. از طرف دیگر این آزمون و آزمون‌های دیگر با محدودیت‌های فرهنگی هم مواجه هستند. داستان‌ها و معماهای مطرح شده در بیشتر مواقع با فرهنگ جامعه ایران سازگار نیستند. محدودیت دیگر این آزمون‌ها تک بعدی بودن آن‌ها از لحاظ نظری است. یعنی فقط بر پایه یک نظریه اخلاقی شکل گرفته‌اند. محدودیت چهارم این ابزارها آن است که عمدتاً برای سنجش اخلاق مردان ساخته شده‌اند. این محدودیت‌ها موجب شد که نگارنده به دنبال ساخت و هنجاریابی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در دختران متوسطه بر پایه تئوری‌های مهم باشد. لذا این پژوهش قصد دارد پرسش‌های اصلی زیر را مورد آزمون قرار دهد.

(۱) ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی دختران متوسطه از کدام عوامل برخوردار است؟

۲) آیا ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی های اخلاقی دختران متوسطه از پایایی و روایی لازم برخوردار است؟

### روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: روش تحقیق از نوع آمیخته است. در بخش اول کار، مصاحبه های تخصصی با صاحب نظران براساس تئوری های مختلف با استفاده از مصاحبه ساخت یافته و نیمه ساخت یافته انجام و سپس شاخص های اولیه مفهومی از درون آن ها استخراج و سئوالات بر اساس آن ها طراحی شده است. بخش دوم کار از نوع همبستگی است. جامعه مورد مطالعه تمامی دختران متوسطه شهر ارومیه می باشد. از آن جا که مطالعه حاضر به دنبال بررسی ویژگی های روان سنجی یک پرسشنامه بوده است، در واقع کشف روابط درونی و ساختاری ماتریس واریانس - کوواریانس پاسخ های آزمودنی ها به سئوالات مهم است. کلیه روش هایی که در بررسی ویژگی های روان سنجی یک پرسشنامه انجام می گیرد، جزو روش های همبستگی است و قانون انتخاب حجم نمونه در چنین مطالعاتی و مطالعات همبستگی یکسان می باشد (مقدسین، ارجمند و محمدخانی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر به استناد جدول تعیین نمونه مورگان نمونه ای به تعداد ۳۸۴ نفر لازم بود ولی با توجه به این که در ساخت پرسشنامه ها نمونه های بزرگ دقت پژوهش را بالا می برند به صورت اولیه نمونه ۶۰۰ نفری معیار محقق بود و از بین آن ها، ۵۲۸ نفر پرسشنامه معتبر انتخاب شد. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر، نمونه گیری خوشه ای بود؛ به این صورت که با مراجعه به آموزش و پرورش ناحیه ۱ ارومیه ابتدا ۸ مدرسه انتخاب و سپس از هر مدرسه ۲ کلاس (در مجموع ۱۶ گروه) انتخاب شدند. در آموزش و پرورش ناحیه ۲ ارومیه هم ۸ مدرسه انتخاب و سپس از هر مدرسه ۲ کلاس (در مجموع ۱۶ گروه) انتخاب شدند. در مجموع ۳۲ گروه و نمونه ای ۷۰۶ نفری با روش فوق انتخاب و ۵۲۸ پرسشنامه معتبر انتخاب شدند.

ابزارهای سنجش : الف) مقیاس ویژگی های اخلاقی: این پرسشنامه توسط پژوهشگر طراحی شده است که دارای ۷۲ گویه می باشد. سئوالات به صورت پنج درجه ای، نمره گذاری می شوند. یعنی به صورت کاملاً مخالفم=۰، مخالفم=۱، نه موافق نه مخالفم=۲، موافقم=۳، کاملاً موافقم=۴ و در برخی سئوالات به صورت معکوس می باشد. در این پژوهش، ابتدا مصاحبه های تخصصی با صاحب نظران براساس تئوری های مختلف با استفاده از مصاحبه ساخت یافته و نیمه ساخت یافته انجام و سپس شاخص های اولیه مفهومی از درون آن ها استخراج و سئوالات بر اساس آن ها طراحی شده است. سپس سئوالات طراحی شده جهت ارزیابی به اساتید مجرب ارائه گردید، در نهایت ۹۰ سؤال باقی ماند. پس از اجرای مقدماتی و دریافت بازخورد مناسب، سئوالات در نمونه مورد نظر اجرا گردید و نتایج تحلیل عاملی نشان داد که واریانس ۱۸ سؤال خیلی کم است و آن سؤال ها حذف شدند و نهایتاً مقیاس نهایی به شیوه لیکرتی در ۷۲ گویه تهیه گردید. در ساخت این مقیاس، از رویکردهای زیر استفاده شده است:

۱. نظریه اخلاقی کلبه‌گ: این رویکرد بر اساس دیدگاه تحولی، تحول اخلاقی را در ۶ مرحله شامل اخلاق مبتنی بر تنبیه و قدرت، کسب پاداش، تایید دیگران، قانون، قراردادهای اجتماعی و اخلاق درونی شده معرفی کرده است.
  ۲. نظریه فروید: این رویکرد بر اساس دیدگاه روانکاوی، تحول اخلاقی را بر اساس رشد فرامن و با ۲ عنصر وجدان و من آرمانی معرفی کرده است.
  ۳. نظریه شناختی: این رویکرد بر اساس دیدگاه شناختی، تحول اخلاقی را بر اساس استنباط‌های شناختی و شیوه تفسیر موقعیتی معرفی کرده است.
  ۴. نظریه یادگیری مشاهده‌ای: این رویکرد بر اساس دیدگاه بندورا، تحول اخلاقی را بر اساس الگوبرداری اخلاقی و یادگیری مشاهده‌ای رفتار اخلاقی معرفی کرده است.
  ۵. نظریه دینی: این رویکرد بر اساس دیدگاه اسلام، تحول اخلاقی را بر اساس پای بندی دینی و ایمان و آیین‌های مذهبی معرفی کرده است.
  ۶. نظریه اخلاقی رست: این رویکرد بر اساس دیدگاه رست، تحول اخلاقی را با مولفه‌های حساسیت اخلاقی، انگیزش، قضاوت و مهارت‌های اجرایی اخلاقی معرفی کرده است.
- ب) مقیاس تحول اخلاقی لیند: در این پرسشنامه ابتدا داستانی ارائه می‌شود و سپس ۱۲ سؤال بسته پاسخ طرح می‌شود. آزمودنی با استدلال خود به سئوالات پاسخ می‌دهد. در یک بررسی ایرانی پایایی این پرسشنامه ۰/۶۴ گزارش شده است. همچنین همبستگی نمره این پرسشنامه با پرسشنامه رست برابر با ۰/۸۷/ به دست آمده است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از اجرای پرسشنامه، برای ۵۲۸ نفر آزمودنی مراحل زیر با استفاده از بسته نرم افزاری spss20 به ترتیب اجرا شد: مشخصه‌های آماری مجموعه مواد پرسشنامه با استفاده از روش‌های متداول در آمار توصیفی تعیین شد. ضریب پایایی مجموعه پرسش‌ها از طریق فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. برای سنجش روایی محتوای پرسشنامه از نظرات متخصصان استفاده شد. به این طریق که سئوالات در اختیار ده نفر از اساتید متخصص قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد درباره محتوای سئوالات نظر دهند. نظر آن‌ها در همه سئوالات اعمال شد و نسخه نهایی آماده گردید. برای بررسی روایی و جهت استخراج عوامل از روش تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس استفاده شد. برای سنجش روایی سازه، از روش میزان همبستگی مقیاس با آزمون اخلاقی لیند و تحلیل عاملی استفاده شد.

### یافته‌ها

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش (ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی زنان از کدام عوامل برخوردار است؟) از روش تحلیل عاملی به شرح جداول ۱ و ۲ استفاده شد.

در جدول ۱، اندازه های KMO (شاخص کیفیت حجم نمونه) و نتایج آزمون بارلت برای ماتریس همبستگی های حاصل در گروه نمونه، نمایش داده شده است.

### جدول ۱. نتایج آزمون KMO و کرویت بارلت مقیاس ویژگیهای اخلاقی

معناداری	کرویت بارلت	KMO
۰/۰۰۱	۴۹۵۶/۷۶۴	۰/۹۲۳

چنان که در جدول ۱ دیده می شود، مقدار KMO برابر ۰/۹۲۳ و سطح معنادار بودن آزمون کرویت بارلت نیز کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین بر پایه هر دو شاخص می توان نتیجه گرفت که نمونه کل در حد مناسب بوده و گویه ها به اندازه کافی برای ساختن یک سازه نظری با هم همبستگی دارند و امکان تحلیل عاملی وجود دارد.

### جدول ۲. جدول کل واریانس تبیین شده عوامل مقیاس ویژگیهای اخلاقی

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۶/۱۴	۷/۹۸	۷/۹۸
۲	۵/۰۹	۷/۴۱	۱۵/۳۹
۳	۳/۳۸	۶/۰۹	۲۱/۴۸
۴	۳/۲۶	۵/۹۵	۲۷/۴۳
۵	۳/۰۱	۵/۶۳	۳۳/۰۶
۶	۲/۸۵	۵	۳۸/۰۶
۷	۲/۷۴	۴/۶۹	۴۲/۷۵
۸	۲/۱۳	۴/۰۴	۴۶/۷۹
۹	۱/۹۶	۳/۹۴	۵۰/۷۳
۱۰	۱/۷۷	۳/۶۵	۵۴/۳۸
۱۱	۱/۷۴	۳/۶۱	۵۷/۹۹
۱۲	۱/۲۵	۳/۰۲	۶۱/۰۱

مشخصه های آماری اولیه که در اجرای تحلیل مؤلفه های اصلی به دست آمده، در جدول ۲ برای هر عامل جداگانه نمایش داده شده است. چنان که دیده می شود، ۱۲ عامل وجود دارد که مقدار ویژه بالای یک دارند و مشاهده می شود، ۱۲ عامل استخراج شده در مجموع ۶۱/۰۱ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کردند.

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش (آیا ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی های اخلاقی زنان از پایایی و روایی لازم برخوردار است؟) از روش آلفای کرونباخ و محاسبه روایی سازه به شرح جداول ۳ و ۴ استفاده شد.



جدول ۳. پایایی، تعداد سؤال‌ها و نام عوامل ۱۲ گانه مقیاس ویژگی‌های اخلاقی

عامل	عنوان	تعداد سؤال	مقدار آلفای کرونباخ
۱	اخلاق بر پایه تنبیه مراجع قدرت	۶	۰/۷۵
۲	اخلاق بر پایه پاداش مراجع قدرت	۶	۰/۷۷
۳	اخلاق بر پایه تایید اجتماعی	۶	۰/۸۱
۴	اخلاق بر پایه قانون	۶	۰/۸۳
۵	اخلاق بر پایه قراردادهای اجتماعی	۶	۰/۷۶
۶	اخلاق درونی شده	۶	۰/۷۲
۷	اخلاق بر پایه فرامن	۶	۰/۷۳
۸	اخلاق بر پایه استنباط شناختی	۶	۰/۶۸
۹	اخلاق بر پایه آداب دینی	۶	۰/۷۲
۱۰	اخلاق بر پایه یادگیری مشاهده	۶	۰/۷۱
۱۱	حساسیت اخلاقی	۶	۰/۶۷
۱۲	مهارت‌های اجرایی اخلاقی	۶	۰/۶۴
-	کل مقیاس	۷۲	۰/۷۲

جدول ۳ پایایی، تعداد سؤال‌ها و نام عوامل ۱۲ گانه مقیاس ویژگی‌های اخلاقی را نشان می‌دهد. جهت برآورد پایایی پرسشنامه طیف لیکرت از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. ملاحظه می‌شود که اخلاق بر پایه قانون دارای بیشترین ضریب پایایی و اخلاق بر پایه مهارت‌های اجرایی اخلاقی دارای کمترین ضریب است. در کل همه ضرایب بالاتر از ۰/۶۰ هستند و لذا مقیاس ویژگی‌های اخلاقی یک ابزار پایا است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین مقیاس ویژگی‌های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند

مقیاس ویژگی‌های اخلاقی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
آزمون تحول اخلاقی لیند	۵۲۸	۰/۸۳	۰/۰۰۱

روایی سازه آزمون از طریق محاسبه همبستگی بین مقیاس ویژگی‌های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند بررسی شد. نتایج آزمون همبستگی مندرج در جدول ۴ نشان داد که مقیاس ویژگی‌های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند همبستگی مثبت داشته و این همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. طبق نتایج نشان می‌دهد که به دلیل وجود همبستگی بالا، مقیاس ویژگی‌های اخلاقی از روایی سازه قابل قبول برخوردار است.

داده های جدول ۵، شاخص های آمار توصیفی را نشان می دهد. طبق داده های این جدول، در بین ۱۲ عامل مقیاس ویژگی های اخلاقی، میانگین عامل اخلاق بر پایه تنبیه کمتر از سایر عامل ها و میانگین اخلاق بر پایه قانون بزرگ تر از بقیه عامل ها است.

جدول ۵. شاخص های توصیفی عوامل استخراج شده مقیاس ویژگیهای اخلاقی

انحراف معیار	میانگین	عامل های استخراج شده
۲/۷۶	۹/۱۱	اخلاق بر پایه تنبیه مراجع قدرت
۳/۳۴	۱۰/۰۹	اخلاق بر پایه پاداش مراجع قدرت
۳/۶۷	۱۵/۵۸	اخلاق بر پایه تایید اجتماعی
۳/۴۵	۱۷/۷۸	اخلاق بر پایه قانون
۳/۱۲	۱۵/۱۶	اخلاق بر پایه قراردادهای اجتماعی
۳/۰۴	۱۶/۹۷	اخلاق درونی شده
۴/۱۵	۱۷/۰۴	اخلاق بر پایه فرامن
۳/۵۸	۱۵/۵۷	اخلاق بر پایه استنباط شناختی
۴/۲۱	۱۶/۱۸	اخلاق بر پایه آداب دینی
۵/۲۶	۱۶/۲۰	اخلاق بر پایه یادگیری مشاهده
۲/۱۷	۱۵/۹۶	حساسیت اخلاقی
۲/۹۵	۱۲/۵۴	مهارتهای اجرایی اخلاقی

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف ساخت و بررسی پایایی و اعتبار مقیاس بومی ویژگی های اخلاقی دانش آموزان متوسطه دختر انجام گرفت. با رعایت اصول روانسنجی و اجرای تحلیل عامل اکتشافی مقیاس ۷۲ سؤالی با ۱۲ عامل استخراج شد که همه گویه‌ها بار عاملی مناسبی داشتند و یافته ها نشان داد که در مجموع عامل های استخراج شده توانستند ۶۱/۰۱ درصد از واریانس کل آزمون را تبیین کنند. همچنین، نتایج حاکی از مناسب بودن روایی ابزار با سه روش روایی محتوایی، روایی سازه و تحلیل عاملی و اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ بود. پایایی کل مقیاس برابر ۰/۷۲ برآورد شد که نشان دهنده پایا بودن ابزار است. در مجموع، نتایج نشان داد که این مقیاس برای جامعه مورد نظر روایی و پایایی مناسب دارد. گویه‌های مقیاس ویژگی های اخلاقی با ادبیات نظری و تجربی همسو هستند و نظریه های تحول اخلاقی می توانند در تبیین یافته ها کمک کنند.

عامل اول تا ششم عوامل استخراج شده، بر پایه مراحل ۶ گانه نظریه کلبه‌گ نام گذاری شده است. کلبه‌گ برای اطلاع از دلایل افراد در توجیه رفتارهایشان، داستان هایی تدوین کرد که هر یک شامل یک معمای اخلاقی بود. سپس، درباره این معماها سوال هایی مطرح می کرد تا فرد درباره آنها استدلال کند. او موفق شد با تجزیه و تحلیل پاسخ های آزمودنی ها در مورد سوال های داستان هایش، مراحل تحول اخلاقی افراد را در سه سطح یا طراز و شش مرحله به شرح زیر مشخص کند: سطح اخلاق پیش قراردادی،

سطح اخلاق قراردادی و سطح اخلاق فراقراردادی. در سطح اخلاق پیش قراردادی، تکیه بر مهار کردن بیرونی است و اصول اخلاقی متعلق به دیگران هستند و فقط به منظور اجتناب از تنبیه و یا دستیابی به پاداش، رعایت می‌شوند (منصور، ۱۳۹۸). در این سطح، کودک قوانین اخلاقی را مطابق با مادیات تعبیر می‌کند. به این علت که از تنبیه احتمالی مراجع قدرت در امان بماند؛ یا از آنها لذتی را کسب کند؛ لذا هیچ چیز درونی نشده است. این سطح همان واقع‌گرایی اخلاقی پیاژه است که در آن کودک، صرفاً به نتایج عمل توجه دارد نه به انگیزه‌ها و قصدها (مارگونی و سورین، ۲۰۲۰). این سطح به دو مرحله تقسیم می‌شود: اخلاق بر پایه تنبیه مراجع قدرت و اخلاق بر پایه پاداش مراجع قدرت که عامل ۱ و ۲ مقیاس حاضر هستند. در سطح اخلاق قراردادی، کودک یا نوجوان سعی می‌کند برای دیگران خوشایند باشد. او از اصول دیگران تبعیت می‌کند، اما تا حدی آن اصول را درونی کرده است. حالا دوست دارد توسط کسانی که نظر آنها ارزشمند است، "خوب" قلمداد شود. کودک کاملاً توانایی آن را دارد که نقش اشخاصی را که در موقعیت اقتدار هستند، بر عهده داشته باشد تا تصمیم بگیرد که یک عمل، بر اساس هنجارهای آنان "خوب" محسوب می‌شود (منصور، ۱۳۹۸). این سطح نیز شامل دو مرحله است: اخلاق بر پایه تایید اجتماعی و اخلاق بر پایه قانون که عامل ۳ و ۴ مقیاس حاضر هستند. سطح اخلاق فراقراردادی، ورود به اخلاق واقعی است. برای نخستین بار، فرد به امکان وجود تعارض بین دو نوع هنجار مورد قبول جامعه، پی می‌برد و سعی می‌کند یکی از آنها را برگزیند. مهار رفتار اکنون چه در سطح اصولی که از آنها تبعیت می‌کند و چه در سطح استدلال درباره خوب و بد، درونی شده است. در آخرین سطح تحول اخلاقی، می‌توان شاهد کوشش در راه تبلور مرحله ای بود که در آن اصول و ارزش‌ها، مستقل از چهره قدرتمندان توصیف شده‌اند (محسنی، ۱۳۹۷). دو مرحله از این سطح بدین شرح است: اخلاق بر پایه قراردادهای اجتماعی و اخلاق درونی شده که عامل ۵ و ۶ مقیاس حاضر هستند.

اخلاق بر پایه فرامن عامل ۷ مقیاس است که ریشه نظری آن تئوری روانکاوی است. فروید فرایند رشد اخلاقی را مساوی با اجتماعی شدن می‌داند که در خلال تعارض بین کشاننده‌های طبیعی فرد و خواسته‌های جامعه شکل می‌گیرد. فروید معتقد است کودک در پذیرش قواعد و قوانین اخلاقی متکی بر ممنوعیت‌ها و نواهی عناصر و عوامل اجتماعی، بخصوص والدین خود است، زیرا توانایی تشخیص خوب یا بد بودن امور را ندارد و به دلیل ترس از تنبیه، بخصوص ترس از دست دادن محبت و عاطفه والدین، به سوی پذیرش قواعد اخلاقی می‌رود. پذیرش قواعد بیرونی به وسیله همانندسازی با والدین، بخصوص با والد هم‌جنس، تقویت می‌شود و پس از مدتی، کودک از افرادی همچون معلم و دیگر الگوها تأثیر می‌پذیرد و به سوی شخصیت واقعی خود حرکت می‌کند. مرحله اصلی تحول اخلاقی در رشد کودک، درونی کردن هنجارهاست که فروید از آن به عنوان یک تحول بزرگ در فرد یاد می‌کند و زمانی این تحول صورت می‌گیرد که مرجع قدرت در خلال تثبیت فرامن، درونی شود. وی معتقد است هنجارهای اخلاقی، بیرون از طبیعت انسان است که با میل فرد از درون همیشه در تعارض می‌باشد (منصور، دادستان، ۱۳۹۶).

اخلاق بر پایه استنباط شناختی عامل ۸ مقیاس است که ریشه نظری آن تئوری شناختی است. استنباط، نحوه نگاه کردن فرد به رویدادهای اخلاقی موجود در دنیای اوست. به عبارت دیگر، اخلاق استنباطی، فرضیه ای عقلانی است که برای توضیح یا تعبیر رویدادهای اخلاقی ساخته می شود. ما طبق این انتظار که سازه هایمان واقعیت های زندگی روزمره را پیش بینی خواهد کرد و آن ها را توضیح خواهند داد، رفتار می کنیم. تعبیر افراد از دنیای یکپارچه و همیشه در حال تغییر، واقعیت آن ها را تشکیل می دهد. برخی افراد از نظر اخلاقی بسیار خشک و انعطاف ناپذیراند و به ندرت نحوه ای که اوضاع و احوال را در نظر می گیرند، تغییر می دهند. آن ها حتی زمانی که دنیای واقعی تغییر می کند، به دیدگاه خودشان درباره واقعیت می چسبند. استنباط شخصی روشی است برای در نظر گرفتن شباهت اخلاقی که افراد با یکدیگر دارند و در عین حال، تفاوتی که آن ها با سایر افراد دارند. تجدید نظر در استنباط های اخلاقی مان، فرایندی ضروری و مداوم است؛ همیشه باید استنباط دیگری داشته باشیم که آن را در هر موقعیتی به کار بریم. اگر استنباط های اخلاقی ما انعطاف ناپذیر باشند و اصلاح شدنی نباشند، قادر به سازگار شدن یا کنار آمدن با موقعیت های جدید نیستیم (جوادی و کدیور، ۱۳۹۵).

اخلاق بر پایه آداب دینی عامل ۹ مقیاس است که ریشه نظری آن تئوری اسلام در اخلاق است. در دیدگاه اخلاقی اسلام، ملاک هر کار و هدف اصلی از رعایت اصول اخلاقی، رضایت خداوند است. همچنین اخلاق اسلامی هدفی است برای فراهم کردن شرایط زندگی مناسب جهت زندگی اخروی. در اسلام بر کنترل شهوات و لذت طلبی های کورکورانه برای رسیدن به فلاح و رستگاری توصیه شده است. از نظر قرآن انسان دارای یک رشته ارزشهاست و یک رشته ضدازشها. از جمله خدایی بودن، رعایت حلال، راستگویی، رعایت حق دیگران و ناعدوستی و در نقطه مقابل آن دروغگویی، خیانت، حسادت، ظلم به دیگران و انجام کارهای حرام. روش اخلاقی در اسلام عبارت است از انجام کار نیک و دوری از کار زشت. همچنین شاخص اخلاق در اسلام داشتن ایمان است. ایمان دارای سه جنبه نیتی، گفتاری و عملی است که دو وجه گفتار و عمل قابل سنجش و مشاهده است (کریمی، ۱۳۹۸). در رابطه متقابل آنها، حضرت رسول اکرم (ص) نیز اخلاق را معیار برای ایمان معرفی می کند و می فرماید: "بهترین ایمان را کسی دارد که بهترین اخلاق را دارد." از بعدی دیگر، در نگاه اخلاق اسلامی، رفتاری اخلاقی محسوب می شود که اختیار، امکان، یا قدرت لازم بر انجام آن وجود داشته باشد. همین طور آیات قرآن و روایات بدنه اصلی رفتارهای اصلی انسان را نیت و عمل قلمداد کرده است و عقیده دارد که انسان به آنها آگاهی دارد (غیائی، ۱۳۹۲).

اخلاق بر پایه یادگیری مشاهده ای عامل ۱۰ مقیاس است که ریشه نظری آن تئوری بندورا است. بندورا به طور اختصاصی در حوزه رفتار اخلاقی از معیار اخلاقی صحبت کرده است. در این رویکرد، معیار اخلاقی به تدریج از طریق تعامل با الگوها رشد می کند. الگوها نقش ارائه معیار دارند تا مشاهده گران آن معیارها را در خود شکل دهند و بعد در موقعیت های واقعی زندگی بر اساس آن معیارها عمل و رفتار اخلاقی خود را تنظیم کنند. بندورا ضمن مخالفت با نظریه های مراحل رشد اخلاقی و نظریه های دیگر،

اشاره می‌کند که موضوع اخلاق بهترین مثال است برای اینکه چگونه ماهیت رفتار به موقعیت وابسته است؛ هرچند که فرد ممکن است اصول اخلاقی قاطعی داشته باشد با این حال مکانیسم‌هایی وجود دارند که می‌توان از آنها برای برحذر داشتن فرد از سرزنش خویشتن به خاطر اعمال سزاوار سرزنش سود جست. این مکانیسم‌ها افراد را قادر می‌سازند تا از اصول اخلاقی خود عدول کنند بی‌آنکه خود را خوار بشمارند. بنابراین صرفاً رسیدن به مرحله‌ای از تحول اخلاقی بر اساس رشد شناختی، نمی‌تواند بیانگر رفتار اخلاقی باشد؛ بلکه موقعیت خاص آن نیز باید مد نظر باشد. بندورا اکثر بدرفتاری‌ها را به این مکانیسم‌ها نسبت می‌دهد تا به معیارهای اخلاقی ضعیف (هرگنهان و السون، ۱۳۹۸).

اخلاق بر پایه حساسیت اخلاقی و مهارت‌های اجرایی اخلاقی عامل ۱۱ و ۱۲ مقیاس است که ریشه نظری آن تئوری اخلاقی رست است. رست در دو سطح از اخلاق یاد می‌کند که یکی سطح کلان یا اجتماعی و دیگری سطح خرد یا فردی است. سطح کلان اخلاق، قدرت دهنده شبکه روابط در سطح جامعه است و اشاره به ساختار رسمی جامعه (قوانین، مقررات و مؤسسات) که همکاری اجتماعی را ممکن می‌کنند، دارد. در این سطح، اخلاق شامل مواردی نظیر آزادی گفتار، مذهب، عدم تبعیض نژادی بین شهروندان، برابری فرصت‌های آموزشی و عدالت اجتماعی می‌شود. سطح خرد اخلاق، خاص سطح فردی است و مرتبط با توسعه روابط با افراد خاص است. در این سطح، فرد خودش در زندگی روزمره تلاش می‌کند تا با افراد خاصی بر اساس اصول اخلاقی، ارتباط برقرار کند. اخلاق در سطح خرد، اشاره به ویژگی‌هایی مثل مؤدب بودن، قابل اعتماد بودن، نجیب بودن و همدردی داشتن دارد. از نظر رست اینکه فرد حساسیت نسبت به رفتار خود داشته باشد و این آگاهی که رفتار و عمل او بر دیگران چه تأثیری می‌گذارد مهم است. این حالت نشان دهنده آن است که فرد موقعیت را ارزیابی می‌کند (رست، ناروز، ببو و توما، ۱۹۹۹). فردی که به حساسیت اخلاقی رسیده است سعی می‌کند که اشتباه خود را جبران نماید و دوباره دیگر چنان تصمیمی که به ضرر دیگران بوده است، نگیرد (خادمی، ۱۳۸۹). همچنین، از نظر رست اینکه فرد توانایی اجرایی رفتار اخلاقی داشته باشد و این توانایی که چگونه رفتار و عمل کند که بتواند ماهرانه بر دیگران تأثیری اخلاقی بگذارد مهم است. مسلماً کسی که دارای مهارت‌های اجرای رفتار اخلاقی کمی باشد، بروز رفتار اخلاقی در سطح پایین خواهد بود.

به طور خلاصه، یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر روایی و پایایی مناسب مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در دختران متوسطه است. در محدودیت‌های تحقیق حاضر بایستی اشاره کرد که پژوهش حاضر، مبتنی بر نمونه‌ای است که در بین دانش‌آموزان متوسطه دختر ارومیه انجام شده است. احتمالاً شرایط و موقعیت فرهنگی-اجتماعی بر نتایج پژوهش اثر گذاشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که اجرای همین پژوهش در مورد نمونه‌های دیگر می‌تواند نتایج تعمیم‌پذیرتری به دست دهد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که برای سنجش عینی ویژگی‌های اخلاقی جهت تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی یا تحقیقات در حوزه اخلاق از پرسشنامه حاضر استفاده گردد.

با توجه به آن چه بیان شد، عوامل ۱۲ گانه مذکور از سازنده های مهم ویژگی های اخلاقی است. ویژگی های اخلاقی در همه جوامع به چشم می خورد؛ ولی با توجه به موقعیت جامعه، نوع و میزان و شدت آن ها متفاوت است. مسلماً تحول ویژگی های اخلاقی در بین افراد جامعه امر خوشایندی است چون از یک طرف بر اصلاح امور فردی تأثیر می گذارد و از طرف دیگر بنیان های جامعه را تقویت می کند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر، به دلیل بومی بودن، قابلیت تعمیم پذیری و جامعیت استفاده بیشتری دارد؛ در حالی که یافته های به دست آمده از کشورهای پیشرفته در تحقیقات پیشین ممکن است به دلیل پیشینه های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، در فرهنگ ما قابل کاربرد نباشد. از این رو، این پرسشنامه در زمینه پژوهش و کاربرد تصمیم سازی در فرهنگ ایرانی قابلیت اجرایی دارد و زمینه پژوهش های متعددی را در روانشناسی فراهم می آورد. لذا پیشنهاد می شود که محققان و مراکز تحقیقاتی جهت انجام مطالعات پژوهشی در حوزه اخلاق دختران از این ابزار استفاده کنند و از یافته های آن در مراکز آموزشی مثل آموزش و پرورش و دانشگاه ها، مراکز بازپروری مثل زندان زندان، حوزه خانواده و طلاق قوه قضاییه بهره بگیرند.

### تشکر و قدردانی

پژوهشگر از مسئولین محترم آموزش و پرورش ارومیه به خاطر امکان سازی اجرای پرسشنامه و نیز از همه شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می کند.

### منابع

- باقری، خسرو. (۱۳۹۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: کاوشی برای تدوین چارچوب نظری تربیت اسلامی. تهران: منادی تربیت.
- پروین، جان. (۱۳۹۵). شخصیت: نظریه ها و تحقیق. (ترجمه محمد جواد جعفری و پروین کدیور). تهران: آبیژ.
- خادمی، علی. (۱۳۸۹). رویکردهای نوین در روانشناسی رفتارهای جنایی. تهران: علم.
- غیائی، غلامرضا. (۱۳۹۲). عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام. نشریه معرفت اخلاقی، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۹ - ۳۶.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۸). روانشناسی اخلاق. تهران: آگه.
- کریمی، یوسف. (۱۳۹۸). روانشناسی اجتماعی: نظریه ها، مفاهیم و کاربردها (ویرایش سوم). تهران: ارسباران.
- گلاور، جان. ای؛ و برونینگ، راجر. اچ. (۱۳۸۸). روانشناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن. (ترجمه علینقی خرازی). تهران: نشر دانشگاهی.

محسنی، نیک‌چهره. (۱۳۹۷). نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد: شناخت، شناخت اجتماعی، شناخت و عواطف. تهران: جاجرمی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی، انتشارات صدرا، چاپ اول، ص ۲۲.

منصور، محمود. (۱۳۹۸). روانشناسی ژنتیک. تهران: سمت.

منصور، محمود و دادستان، پریخ. (۱۳۹۶). روانشناسی ژنتیک ۲. تهران: رشد.

مقدسین، مریم؛ ارجمند، فتنه و محمدخانی، شهرام. (۱۳۹۸). هنجاریابی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه نگرانی (PSWQ-C) در کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۸ ساله. مجله پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، دوره ۱۰، شماره ۳، صفحه ۱-۲۶.

هدفیلد، ژ.آ. (۱۳۷۴). روانشناسی و اخلاق. ترجمه علی پریور. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هرگنهان، بی.آر؛ و اولسون، ام.اچ. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. (ترجمه علی اکبر سیف). تهران: دوران.

هرمینگ، ویلیام. (۱۳۹۷). قاتلان زنجیره‌ای: رشد روانی اجتماعی بدترین مجرمان جامعه. ترجمه داود قادری، کیوان پورصادق و لیلی امیرسرداری. تهران: وانیانیا.

همایی، رضوان. (۱۳۹۳). رشد اخلاقی در دختران و پسران. نشریه زن و فرهنگ. سال ۶، شماره ۲۱، صص ۹۱-۱۰۴.

همتی، مریم. (۱۳۹۵). اخلاق مداری مسیری مهم در توسعه فرهنگ ایرانی - اسلامی. تهران: ایرنا.

Bandura, A. (1991). Social cognitive theory of moral thought and action. In W. M.

Dakin, E. (2014). Protection as care: Moral reasoning and moral orientation among ethnically and socioeconomically diverse older women. *Journal of Aging Studies* 28(1):44-56.

De Caroli, M.E. & Sagone, E. (2014). Mechanisms of Moral Disengagement: An Analysis from Early Adolescence to Youth. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 140: 312-317.

Haidt, J. (2007). The new synthesis in moral psychology. *Science*, vol. 316, 998-1002.

Hauser, M. D., Cushman, F., Young, L., Jin, K-X. R., & Mikhail, J. (2007). A dissociation between moral judgments and justifications. *Mind & Language*, 22, 1-21.

- Gao, L., Liu, J., Wang, W., Yang, J., Wang, P., & Wang, X. (2020). Moral disengagement and adolescents' cyberbullying perpetration: Student-student relationship and gender as moderators. *Children and Youth Services Review*, Volume 116, 105119.#
- Gilligan, C. (1984). *sex differences in the expression of moral judgement*. Cambridge, Mass. Harvard University Press.
- Greene, J. D., Nystrom, L. E., Engell, A. D., Darley, J. M., & Cohen, J. D. (2004). The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment. *Neuron*, 2, 389-400. .
- Khosravi Zadanbeha, M. & Zakerian, M. (2011). A comparison of moral competence between Iranian male and female elementary students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30: 48 – 52.
- Li, J. Hao, J. & Shi, B. (2018). From moral judgments to prosocial behavior: Multiple pathways in adolescents and different pathways in boys and girls. *Personality and Individual Differences*, Volume 134, 149-154.
- Margoni, F., & Surian, L. (2020). Conceptual continuity in the development of intent-based moral judgment. *Journal of Experimental Child Psychology*, Volume 194, 104812.
- Mikhail, J. (2007). Universal moral grammar: theory, evidence and the future. *Trends in Cognitive Sciences*, 114, 143–152.
- Molchanov, S. (2014). Empathy as the Factor of Moral Dilemma Solving in Adolescence. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 146:89–93.
- Rest, J.R., Narvaez, D., Bebeau, M. & Thoma, S. (1999). *Postconventional Moral Thinking: A Neo-Kohlbergian Approach*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Swanson, L.H and Hill, G (1993). Metacognitive aspects of moral reasoning and behavior. *Adolescence*. 28, pp 711- 725.
- Teper, R.; Inzlicht, M.; Page-Gould, E. (2011). "Are we more moral than we think?: Exploring the role of affect in moral behavior and moral forecasting". *Psychological Science*. 22 (4): 553–558.
- Turiel, E. (2018). Moral Development in the Early Years: When and How. *Human Development*; 61:297–308.



## Construction and Investigation of the Psychometric Properties of the Moral Characteristics Scale in Girls

Ali Khademi

### Abstract

The purpose of this study was to construct and investigate the psychometric properties of the Moral Characteristics Scale. The research method was correlational and exploratory factor analysis. The study population included all female high school students in Urmia. In this study, 528 people were selected by cluster sampling method and the Linden Moral Characteristics Scale and Moral Transformation Test were used. In order to analyze the data, exploratory factor analysis was used. Based on exploratory factor analysis, 12 ethical factors were extracted based on punishment, reward, social approval, law, social contracts, internalized ethics, command, cognitive inference, religious etiquette, observational learning, moral sensitivity and moral executive skills. In total, the extracted factors were able to explain 61.01% of the total variance of the test. Content validity, structural validity and factor analysis were used to evaluate the validity of the questionnaire. The obtained indices showed acceptable validity. Cronbach's alpha method was used to calculate the reliability. The reliability of the whole scale was 0.72. The results of this study show that the psychometric properties of the prepared scale have the necessary capabilities and can be used in the field of measuring the moral characteristics of female high school students. The existence of this instrument (scale) can be useful in producing research on the psychology of ethics.

**Keywords:** Ethical Traits Scale, Validity, Reliability

Associate Professor, Department of Psychology, Psychology Research Center, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran dr\_khademi@iau.ac.ir